

وظیفه والدین در هویت‌یابی فرزند نوجوان از منظر فقه تربیتی

□ سیده زهرا عظیمی *

چکیده

هویت‌یابی نوجوان، مهم‌ترین چالش دوران نوجوانی است که مورد توجه اندیشمندان علم تربیت، قرار گرفته است. هویت‌یابی؛ پی‌بردن به چیستی خود و آگاهی از مبدأ خود، گرایش به هنجارها و درک وظایف و مسئولیت‌هاست. از اینرو، تبیین وظیفه والدین به عنوان اولین پرورش‌دهندگان شخصیت نوجوان، ضروری است. این پژوهش، باهدف تبیین ادله فقهی وظیفه والدین در هویت‌بخشی به فرزند نوجوان، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای صورت گرفت. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد؛ در مواردی که هویت‌بخشی به نوجوان، موجب انجام واجب و یا ترک حرام توسط او، می‌گردد و یا فقدان هویت سالم در نوجوان، موجب اضرار به او، خانواده و دیگران و یا هتک حرمت خانواده، می‌گردد، بر والدین، واجب است که با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر، تلاش خود را در به کارگیری راهکارهای هویت‌بخشی به فرزند، بنمایند. در مواردی که، عدم هویت‌بخشی به فرزند نوجوان، موجب ترک واجب یا ارتکاب حرام یا اضرار، نگردد، هویت‌بخشی به فرزند نوجوان، مستحب است. **کلیدواژه‌ها:** نوجوانی، بلوغ، بحران هویت، هویت‌یابی، والدین، فقه تربیتی.

* دانشجوی دکتری فقه تربیتی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

مقدمه

هویت یابی نوجوانان، مهم ترین چالش، در دوران نوجوانی است که مورد توجه اندیشمندان علم تربیت، قرار گرفته است. هویت یابی، شناخت ماهیت وجودی خود، ارزش ها، باورهاست که نوجوان باید به آن ها دست پیدا کند. نوجوانی، دوره شکل گیری هویت فردی، استقلال از خانواده و پیوستن به اجتماع است. گذر از کودکی به نوجوانی، با چالش های زیستی، روانی و اجتماعی همراه است. نوجوان در این مرحله برای یافتن هویتی مستقل، برخلاف دوران کودکی، در برابر خواسته های والدین، مقاومت می کند. این دوره با تغییرات سریع فیزیولوژیکی، بی ثباتی عاطفی، دغدغه های آینده نگرانه، همراه است. نگرش ها، هیجانات، و الگوهای رفتاری نوجوان، نشان دهنده فرایند رشد او، در این مرحله است. این تحولات، در روند رشد طبیعی نوجوان قرار دارد، اما، مشکلاتی را هم برای او و اطرافیان، به دنبال دارد. «احساس فقدان یک خویشتن قابل قبول و هماهنگ در رابطه با خود و هراس از گمنامی و رنج ناشناخته ماندن، زمینه ساز احساس عدم کفایت، بی اعتمادی، سرخوردگی و در نهایت اضطراب است» (قائمی، ۱۳۹۳، ۹۱). پایش رخداد های سیاسی و اجتماعی اخیر کشور، نشان می دهد، حضور برخی نوجوانان در اغتشاشات سال ۱۴۰۱، به دلیل ضعف عملکرد خانواده و متولیان تربیت در هویت یابی نوجوان، بوده است. خانواده، به عنوان اولین کانون تربیت نوجوان و والدین به عنوان اولین پرورش دهندگان شخصیت او، نقش ویژه ای در شکل گیری هویت نوجوان، دارند. از اینرو، تبیین وظیفه والدین در ایجاد هویت سالم در نگرش اعتقادی و گرایش های دینی و ملی فرزند نوجوان و توانمندسازی او برای رویارویی با پدیده ها و تحولات اجتماعی و سیاسی، توسط والدین، ضروری است. این ضرورت، با توجه به شرایط نسل کنونی، به عنوان نسل اینترنت و شبکه های اجتماعی، چند برابر گشته است. در سال های اخیر، استخراج روش های صحیح تعلیم و تربیت، مبتنی بر قرآن و روایات، در موضوعات مختلف تربیتی، دغدغه پژوهشگران نظام تربیتی اسلام، گردیده است. فقه تربیتی، به عنوان شاخه ای از فقه، «دانشی است که رفتارهای اختیاری صادر شده از مریبان و متریان در مقام تربیت را از لحاظ اتصاف آنها به یکی از احکام پنج گانه بررسی می کند و برای هر

رفتاری، حکمی را از ادله آن استنباط می‌کند» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۲۶۷/۱). هویت‌یابی نوجوان، از موضوعات مستحدثه عرفی است که گرچه حکم آن می‌تواند ذیل ادله عام تربیت فرزند، قرار گیرد، ولی تبیین آن، بر اساس آیات قرآن و روایات، به دلیل گسترده شدن ابعاد تربیت در عصر حاضر و توجه متدینین به دانستن حدود وظایف شرعی خود در تربیت فرزند، ضروری است. اگر نهاد خانواده بداند که در فرایند هویت‌یابی فرزند نوجوان خود، وظیفه شرعی دارد، تکلیف خود را با جدیت بیشتر انجام می‌دهد. سؤال اصلی در این پژوهش این است که؛ تربیت فرزند نوجوان، در هویت‌یابی او، به لحاظ فقه تربیتی، چه حکمی دارد؟ تا کنون، پژوهشی که از منظر فقه تربیتی، به مسأله هویت‌یابی نوجوان، پرداخته باشد، انجام نشده است. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی ادله فقهی وظیفه والدین، در هویت‌یابی نوجوان، از منظر فقه تربیتی، می‌پردازیم.

مفاهیم

مفهوم «هویت‌یابی»

«هویت»، در لغت به معنای، «تشخص» (دهخدا، ۱۳۹۰، ۲۰۸۶۶/۱۴)، «حقیقت شیء یا شخص، مشتمل بر صفات جوهری او»، آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ۱/۱۲۶۵)، و در اصطلاح، به «قابلیت‌ها، آگاهی‌ها و کمالات انسان»، اطلاق می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۲، ۵۵). هویت، عبارتست از: «آگاهی فرد نسبت به خود، که فرد، باید، در نتیجه تداوم کنشهای اجتماعی، به طور پیوسته در زندگی روزمره ایجاد کند و نیز در فعالیتهای خویش مورد پشتیبانی قرار دهد» (علیخانی، قاسمی، ۱۳۸۳، ۱۴۶). برخی روان‌شناسان، «هویت» را به عنوان «احساسی از یگانگی و تداوم شخصیت»، تعریف می‌کنند که «فرد را قادر می‌سازد تا در برابر تغییرات محیطی، مقاومت کند» (اریکسون، ۱۳۹۸، ۱۰۰). «کیستی‌شناسی یا شناسایی هویت خویشتن، هسته مرکزی نظریه رشد شخصیت را در مکتب اریکسون تشکیل می‌دهد. او، مهم‌ترین وظیفه و هدف نوجوانان را جستجو در راه یافتن هویتی پر معنی می‌داند» (رالف، ۱۳۵۷، ۱۲). در فرایند شکل‌گیری هویت، فرد، با درک هویت خود، ابتدا در بینش و سپس در گرایشات خود، به ثبات

می‌رسد که این ثبات، در رفتار او، آشکار می‌گردد. بنابراین، مؤلفه‌های این فرایند را، می‌توان در سه بعد بینش، گرایش و رفتار، تبیین نمود. بعد بینشی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین بعد در شخصیت انسان است، زیرا، هویت یابی در بعد بینش، موجب استحکام پایه‌های تفکر، جهان‌بینی و معنای زندگی، می‌گردد. شناخت و باورهای انسان، گرایش‌ها و دل‌بستگی‌های انسان را می‌سازد و موجب کنترل معقول رفتارها و هیجانات انسان، می‌گردد. به عبارت دیگر شناخت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. تعلیم و تربیت به منظور هویت یابی، باید، «با هدف شکوفایی استعدادها و توانمندی‌ها، درصدد رفع انواع کاستی‌ها در سه بعد بینش، گرایش و رفتار برآید تا زمینه وصول به هدف عالی هویت یابی که همان هدف عالی تربیت، یعنی تقرب به سوی خداست، فراهم گردد» (مصباح یزدی، ۱۴۰۱، ۳۲۵) این فرایند چند بعدی، در گذر از دوره نوجوانی به بزرگسالی، بسیار حائز اهمیت است. علی‌علیه، می‌فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً..... عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ، رحمت خدا بر کسی باد که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به کجا خواهد رفت» (فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ۱، ۱۱۶). «فرد، برای آنکه در دوران نوجوانی هویت مستقلی کسب کند، باید دوران کودکی خوبی را در کنار خانواده پشت سر گذاشته باشد تا ورود او به نوجوانی، با آسیب کمتری همراه باشد. بنابراین، نوع ارتباط نوجوان با والدین، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت او دارد» (شرفی، ۱۳۸۰، ۶۳). اریکسون (۱۹۹۴)، روان‌شناس آلمانی تبار، مرحله پنجم رشد روانی اجتماعی در نوجوانی را، «هویت در برابر سردرگمی نقش»، نامیده است. از نظر او، «نوجوانان با بحرانی در شناخت خود روبه‌رو هستند و باید به انسجام هویتی برسند، موفقیت در این مرحله باعث وفاداری به خود و عملکرد مؤثر در زندگی و شکست، منجر به سردرگمی و ضعف شخصیت، می‌شود. "ایگو"، یا خودآگاهی، در این مرحله محور اصلی توجه است و هویت منسجم، احساس وظیفه‌شناسی و تعلق اجتماعی را تقویت می‌کند، شخصیت و هویت آدمی، امری فراتر از شخصیت و هویت مکانیکی او و وابسته به عناصر بی‌شماری است که همه آنها در پرتو نگاه و نگرش وی به خویشتن و جهان و اولویت‌گذاری‌های ارزشی او، شکل می‌گیرد، تفسیری که فرد از خود و هستی، تولید می‌کند، سازنده هویت او خواهد بود. از دیدگاه ایشان،

هویت سالم و آرام در جایی معنا می‌یابد که شخص از نگرش یک دست و سنجیده‌ای از خویشتن و جهان بهره‌مند باشد و عناصر سازنده شخصیت وی از تلائم و سازگاری برخوردار باشند و برای خود زندگی معنی داری ساخته باشد» (اریکسون، ۱۳۹۸، ۱۰۳). در نقطه مقابل، «هویت بحران زده، هنگامی مصداق می‌یابد که تعارض و چالش جدی در نگرش فرد و عناصر اثرگذار و سازنده شخصیت وی پدید آمده باشد و فرد از ارائه تفسیر جامع از آن‌ها و پاسخ قانع‌کننده به معنی زندگی ناتوان باشد و نیز آن گاه که فرد یا جامعه‌ای از تأمین نیازهای ضروری خود و قدرت بر اشباع یا اقناع خود، عاجز باشد، با شخصیت و هویت بحران زده مواجه خواهد شد. هویت بحران زده، هنگامی مصداق می‌یابد که تعارض و چالش جدی در نگرش فرد و عناصر اثرگذار و سازنده شخصیت وی، پدید آمده باشد» (اعرافی، ۱۳۸۱). «عدم ثبات در ارزش‌ها و باورها، احساس پوچی، مسئولیت‌گریزی، اشتغالات بی‌هدف، انزوا و شخصیت منفعل، از مهم‌ترین نشانه‌های بحران هویت فردی است که زمینه‌های سقوط یک جامعه را نیز، فراهم می‌آورد» (شرفی، ۱۳۸۰، ۲۰). بنابراین، «هویت یابی»، عبارتست از: پی بردن به چیستی جایگاه خود و آگاهی به پیوندهای خود به جهان خارج از خود (بعد بینش)، و علاقه و گرایش به هنجارهای خانوادگی، دینی، و ملی. (بعد گرایش) و در نهایت، درک وظایف و مسئولیت‌ها در قبال خود و مبدأ خود و دیگران (بعد رفتار).

مفهوم «نوجوانی»

«در حوزه روان‌شناختی، نوجوانی دوره گذر از کودکی به جوانی و بزرگسالی است که با تغییرات جسمی، جنسی، روانی، اجتماعی و شناختی همراه است» (پاول و دیگران، ۱۳۶۸، ۶۳۴). «نوجوانی دوره تحقق یافتن فرایندهای رشد و انتقال از کودکی به بزرگسالی است، منظور از فرایندها، جنبه‌های گوناگونی از رشد در دوران نوجوانی است که رشد و نمو سازمان عصبی مغز، اندازه‌های بدنی و تغییر در نیم رخ جسمی و نظام جنسی را در بر می‌گیرد که تحولات شناختی، عاطفی و رفتاری را به دنبال دارد» (حقانی، ۱۳۹۶، ۳۹۸). «بیشتر کارشناسان علوم تربیتی، سن ۱۲ تا ۱۸ سال را دوره نوجوانی، دانسته‌اند» (قائمی، ۱۳۹۳، ۳۳). «امروزه،

پژوهشگران، نوجوانی را تا ۲۲ سالگی، بسط می‌دهند، تا زمانی که فرد بتواند آموزش‌ها و مهارت‌های لازم را به دست آورده و نقش‌های اجتماعی‌اش را بپذیرد» (اناری و اناری، ۱۴۰۰، ۱۶). در عربی، برای این دوره، واژه «غلام» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲/۴۴۰)، و «مُراهق» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳/۳۶۷)، به معنای «دوره نزدیک به احتلام»، استعمال شده است. «تشخص طلبی، اضطراب به جهت علائم بلوغ جنسی، سرگردانی در عواطف، بی‌اعتمادی به اطرافیان، فرو رفتن در خود و استقلال طلبی، از مهمترین ویژگی‌های دوره نوجوانی است» (شکوهی، ۱۳۷۳، ۱۷۸ و ۱۹۸). اریکسون، معتقد است؛ «مرحله پنجم رشد، در طول سال‌های پرتلاطم نوجوانی اتفاق می‌افتد. این مرحله، نقش اساسی در ایجاد حس هویت شخصی، ایفا می‌کند که تا پایان عمر بر رفتار و رشد شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد. در این مرحله، نوجوانان نیاز به ایجاد حس هویت شخصی خود، دارند» (اریکسون، ۱۳۹۸، ۱۰۳). «میل به آزادی و رهایی از سلطه پدر و مادر، گرایش به ارتباط با نوجوانان دیگر، علاقه به انتخاب شغل و آمادگی برای قبول مسئولیت، کوشش در راه تأمین مالی و استقلال اقتصادی، گرایش به انتخاب همسر و تشکیل خانواده، آمادگی برای پی‌بردن به ارزش‌های اخلاقی و معنوی، آگاهی از محدودیت‌ها و توانایی‌های خود و دیگران، نیاز به راهنمایی و پیشرفت به سوی کمال، از ویژگی‌های دوره نوجوانی است» (پارسا، ۱۳۷۴، ۲۱۴). بنابراین، «نوجوانی»، دوره گذر از کودکی به جوانی، بین سنین ۱۲ تا ۲۲ سالگی است که با تغییرات جسمی و روانی، همراه است، و ویژگی بارز آن، تشخص طلبی و سردرگمی است.

مفهوم «فقه تربیتی»

«فقه»، در لغت به معنای «مطلق علم و آگاهی» (فراهیدی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۳/۳۷؛ ابن‌فارس، هـ.ق ۱۴۰۴، ۴/۴۴۲)، «مطلق فهم و ادراک» (جوهری، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۶/۲۲۴۳)، «فهم همراه با دقت و تأمل» (عسکری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۴۱۲)، آمده است، و در اصطلاح، «فقه»، «علم به احکام شرعی فرعی است که به وسیله استدلال از ادله تفصیلی، به دست آمده است» (حلی، هـ.ق ۱۳۸۷، ۲/۲۶۴). منظور از «فقه»، در این تحقیق، فقه امامیه است؛ «فقه امامی، میراث

فکری فقهی است که ریشه و اصل آن به عصر رسالت برمی‌گردد و حاصل تلاش‌های گروه زیادی از پیروان آل‌البیت است، کسانی که در استنباط احکام از کتاب و سنت کوتاهی نکردند و مهم‌ترین امتیاز آن، وسعت منابع حدیثی به برکت عطای فراوان عترت طاهره است» (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۵). «نزد امامیه، کتاب، سنت، اجماع و دلیل عقلی، منابع فقه، به شمار می‌روند» (مظفر، ۱۴۱۵هـ.ق، ۲/۱۰۴). تعاملات فقه و تربیت، موجب تدوین شاخه جدیدی در فقه، با عنوان «فقه تربیتی»، گردیده است. در فقه تربیتی، از «حکم رفتارهای اختیاری مکلفان (مربیان و متریبان) در فضای تعلیم و تربیت از حیث احکام پنج‌گانه»، بحث شده است. بنابراین، «به حوزه خاصی از اعمال و رفتارهای مکلف، یعنی رفتارهای در مقام تربیت محدود می‌شود. فقه تربیتی، شاخه‌ای از دانش فقه است و به لحاظ محمول هیچ تفاوتی با دانش فقه ندارد. بنابراین، محمول گزاره‌های فقه تربیتی، عبارت است از: احکام شرعی که اعتبارات و مجعولاتی است که شارع برای مکلفان در نظر می‌گیرد. هدف اولیه فقه تربیتی، استنباط احکام است، البته رساندن مکلف به اهدافی میانی (مانند تهذیب، تزکیه و غیره) و نیز پرورش متریبان با ویژگی‌های مطلوب در زمره اهداف فقه تربیتی قرار دارد. فقه تربیتی همچون دانش فقه، درصدد است تا با استنباط احکام و تعیین تکالیف مربیان و متریبان (مکلف)، آنان را در رسیدن به رضوان الهی و رستگاری یاری رساند. با این توضیحات، می‌توان «فقه تربیتی» را چنین تعریف کرد: «فقه تربیتی دانشی است که رفتارهای اختیاری صادرشده از مربیان و متریبان در مقام تربیت را از لحاظ اتصاف آنها به یکی از احکام پنج‌گانه بررسی می‌کند و برای هر رفتاری، حکمی را از ادله آن، استنباط می‌کند» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۲۶۶/۱).

بررسی ادله فقهی وظیفه والدین در هویت‌یابی نوجوان

فقه اسلام بر پایه‌ی مصالح و مفاسد واقعی، بنا شده است؛ «إِنَّهُ تَعَالَى لَمْ يَأْمُرْكَ إِلَّا بِالْحَسَنِ وَلَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنِ الْقَبِيحِ؛ خدای متعال تو را جز به آنچه نیکو است امر، و جز از آنچه ناپسند است، نهی نکرده است» (فیض الاسلام، ۱۳۶۸، نامه ۳۱)، که آثار آن، به روشنی بر ابعاد مختلف زندگی انسان مشهود است. به عنوان مثال، حکم حرمت ظلم به دیگری، در فقه

اسلامی، به دلیل ضرر و زیان آن به امنیت فرد و اجتماع است که امری واقعی است. بنابراین، دستورات تربیتی فقه اسلام، با هدف رشد، و کمال انسان و بر پایه واقعیت‌های محسوس زندگی است. بخشی از دستورات فقهی به مسئولیت والدین نسبت به فرزندان، مربوط می‌شود که ادله این دستورات فقهی، بر ضرورت توجه به ابعاد مختلف هدایت و تربیت فرزند، دلالت دارد. در فقه اسلامی، حقیقت شرعی خاصی برای «هویت یابی» فرزند، وجود ندارد که بر مبنای آن، تعریف مخصوص و حکم منصوسی داشته باشد، بنابراین، «هویت یابی» فرزند، از موضوعات مستحدثه عرفی است. «مسائل مستحدثه عبارت است از: هر موضوع جدیدی که حکم شرعی آن منصوص نیست، اعم از اینکه آن موضوع در گذشته وجود نداشته یا وجود داشته ولی برخی از ویژگی‌ها و شرایط و قیودش تغییر کرده و آن را موضوعی جدید، جلوه داده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۴۵۹). هویت یابی فرزند نوجوان، از موضوعات مستحدثه عرفی است که گرچه وظیفه شرعی والدین، در مورد آن، می‌تواند ذیل ادله عام تأدیب فرزند، قرار گیرد، ولی تبیین حکم آن، بر اساس ادله فقهی، به دلیل گسترده شدن ابعاد تربیت در عصر حاضر و توجه متدینین به دانستن حدود وظایف شرعی خود در تربیت فرزند، ضروری است. در تبیین حکم شرعی والدین در هویت بخشی به فرزند نوجوان، به دلیل عقل، آیات و روایات، استناد می‌شود.

دلیل عقلی

عقل، یکی از منابع فقه امامیه است. «وقتی عقل عقلا، بر حسن یا قبح چیزی متفق گردید، شارع، به آن چیز، حکم می‌کند» (مظفر، ۱۴۱۵، ۲۲۷/۱). از جمله مواردی که عقل، به آن، حکم می‌کند و عقلا بر آن اتفاق دارند، «رجحان جلب منفعت و دفع مفسده، در امور دنیا و آخرت است، زیرا نزد عقلا، صرف وجود احتمال جلب منفعت و دفع مفسده، به گونه ای که نزد ایشان، معتنابه باشد و به حد وسواس نرسد، معتبر است. به حکم عقل، انجام هر چه احتمال موافقت با مکارم اخلاق در آن وجود دارد، و احتمال رجحان در آن است، راجح است» (کاشف الغطاء، بی تا، ۲۳۱/۱). عقل، حسن هویت بخشی به فرزند را، به دلیل منفعت آن، درک می‌کند و قبح فقدان آن

را در فرزند نوجوان، به دلیل مفسده آن نیز، درک می‌کند. رجحان عقلی هویت بخشی، بر مطلوب بودن هویت بخشی به فرزند نوجوان، توسط والدین، دلالت دارد. بنابراین، ضرورت عقلی آن ثابت نمی‌شود. از اینرو، این وظیفه، با توجه به رجحان عقلی آن و عدم ضرورت عقلی آن، باید، فقط با روش‌های عاطفی، ارشادی و اقناعی توسط والدین، انجام گیرد. به عبارت دیگر، عقل، به اجبار و الزام، در هویت بخشی به فرزند نوجوان، حکم نمی‌کند.

آیات قرآن

قرآن، با توجه به آیات امر به معروف و نهی از منکر، و فرمان به مؤمنین در همکاری بر نیکی و تقوی، و نفی اصرار و دستور به صیانت خود و خانواده از عذاب، به هدایت و تربیت، تأکید ویژه دارد.

آیه «امر به معروف و نهی از منکر»

«امر به معروف و نهی از منکر»، از اوامر الهی در قرآن است؛ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند». (آل عمران: ۱۰۴) بر اساس این آیه، «در فقه اسلام، در وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» اختلافی وجود ندارد و وجوب آن از ضروریات دین است» (خمینی، ۱۴۰۹، ۴۶۲/۱). «امر» و "نهی"، به واجب و مستحب تقسیم می‌شود و در واجبات عقلی و شرعی و حرام‌های عقلی و شرعی، واجب و در امور مستحب و مکروه، مستحب است» (خمینی، ۱۴۰۹، ۴۶۳/۱). «معروف»، اسمی است برای هر کاری که از نظر عقل و شرع، نیکو شناخته شده باشد و "منکر"، هر چیزی است که از نظر عقل و شرع، زشت، شناخته شده باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۹/۹). بنابراین، «هویت بخشی»، یکی از مصادیق «معروف» است و از موارد وجوب امر به معروف، می‌توان وجوب و از موارد استحباب آن، می‌توان، استحباب هویت بخشی به فرزند را، نتیجه گرفت. در صورتی که فقدان هویت‌یابی نوجوان، مستلزم عمل حرامی همچون هتک حرمت خانواده، ایذاء مؤمنین و اصرار به آنها و یا ضرر معتنابه، به فرزند باشد، واجب است.

«استفاده از مرتبه شدید الزام در این موارد، فقط در صورتی جایز است که شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر احراز شود و مراتب اولیه آن (رغبت و انزجار قلبی، امر و نهی زبانی، امر و نهی با اشارات و رفتار) نیز کارساز نباشد» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۳۶۰/۲۴). تشویق نوجوان به خودشناسی و پیدا کردن پاسخ به پرسش‌هایش در مورد خود، مبدأ خود و جهان و علت خلقت، آموزش و تشویق او به یادگیری مهارت‌های زندگی، هدایت او به تغذیه سالم و فعالیت بدنی، هدایت او به حضور در محیط‌های سالم، از جمله راهکارهای هویت‌یابی نوجوان و از مصادیق «امر به معروف» است و جلوگیری از عدم شناخت هویت حقیقی و تضعیف ایمان او، از مصادیق نهی از منکر است. «امر به معروف و نهی از منکر»، واجب کفایی است، زیرا فرموده است؛ باید جمعی از میان شما دعوت به نیکی کنند. «سپردن بچه به شخص امنیتی که صنعت یا قرائت و خط و حساب و علوم عربی و غیر این‌ها از علومی را که برای دین و دنیا مفید است، به او تعلیم دهد جایز است و بر او لازم است که او را از فساد اخلاق حفظ کند، تا چه رسد از چیزی که برای عقاید او ضرر داشته باشد» (خمینی، ۱۴۰۹، ۱۵/۲).

آیه «اعانه بر برّ و تقوی»

بر اساس آیه «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی، همکاری ننمایید...» (مائده: ۲) خداوند، مؤمنین را به کمک و یاری یکدیگر در انجام کارهای نیک و تقوی، امر کرده است. «ظهور اولیه فعل امر «تعاونوا»، وجوب است. این وجوب، با اطلاق متعلق آن یعنی «برّ» و «تقوی» در وجوب و استحباب، در تعارض قرار می‌گیرد، زیرا کمک به دیگری برای انجام کاری که بر او مستحب است، نمی‌تواند واجب باشد. با این وجود، ظهور صیغه امر بر وجوب، به قوت خود باقی است و فقط مواردی که یقین به عدم وجوب آن داریم، از تحت وجوب خارج می‌شوند، اما در همین موارد نیز، فقط مرتبه الزام آن کنار می‌رود و به رجحان استحبابی اعانه در «برّ» و «تقوی»، حکم می‌شود» (اعرافی، ۱۴۰۱، ۷۰/۲۱). «برّ»، به معنای «خیر» (فیومی، بی تا، ۴۳/۲)، آمده است. «تقوی»، به معنای «حفظ خویش از گناه به وسیله ترک محرمات است» (راغب، ۱۴۲۲، ۵۴۵). اعانه بر نیکی و تقوی، عام است و هر نوع

همکاری و تعاون والدین، نسبت به فرزند را از جمله راهکارهایی که در هویت‌یابی نوجوان، نقش دارد را، در برمی‌گیرد. از اینرو، در مواردی که فقدان هویت نوجوان، موجب ارتکاب حرام توسط او، فوت واجبی از او یا اضرار به او، خانواده و دیگران و یا هتک حرمت خانواده، گردد، به دلیل اهتمام شارع بر رعایت حقوق و انجام واجبات و ترک محرمات، بر والدین، واجب است که تلاش خود را در به کارگیری راهکارهای هویت بخشی به فرزند، بنمایند. والدین باید با فرزند نوجوان، گفتگوی صمیمانه، داشته باشند و به حرف‌های آن‌ها، با دقت، گوش دهند. این ارتباط، باعث ایجاد اعتماد متقابل می‌شود و از بسیاری از بحران‌های هویتی، پیشگیری می‌کند. «تعامل صحیح با نوجوان و پرهیز از هرگونه تحمیل، اجبار، تحکم و تحقیر در برخورد با نوجوان، ضروری است» (قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ۵۳).

آیات «نفی اضرار»

بر اساس آیات قرآن (بقره: ۲۸۲، ۲۳۱، ۲۳۳)، متضرر شدن هیچ انسانی، پذیرفته نیست. در آیات مربوط به ارضاع فرزند، آمده است: «... لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدٍ...» نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر...» (بقره: ۲۳۳) رسول خدا ﷺ، فرموده است: «در اسلام، ضرر و ضرر رساندن نیست» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۹۲/۵؛ عاملی، ۱۴۱۶، ۱۴/۲۶). «رسول خدا ﷺ، امر کرده است که به احدی به وسیله کسی، نباید ضرر برسد... اطاعت این نهی مولوی حکومتی، از آنجا که اطاعت حاکم مفترض الطاعه است، واجب است» (خمینی، ۱۴۱۰: ۵۵ و ۵۸). «ضرر»، معنای عامی دارد و هرگونه ضرر جسمی و روانی را شامل می‌شود» (خراسانی، ۱۴۰۹، ۴۶۵). از اینرو، توجه نمودن به سلامت جسمی و روانی فرزند، اضرار به اوست. انتقال از کودکی به جوانی، با جهش رشد جسمی، همراه است. نامنظم بودن وعده‌های غذایی، حذف وعده غذایی و برنامه غذایی ناسالم و رژیم غذایی نامتعادل در دوره نوجوانی، به سلامت جسمی و به دنبال آن، سلامت روانی نوجوان، آسیب می‌زند و او را در معرض بحران فکری و رفتاری، قرار می‌دهد. فعالیت بدنی منظم باعث ترشح اندروفین (هورمون شادی) می‌شود و مانع پرخاشگری و یا افسردگی نوجوان، می‌گردد.

بنابراین، توجه به تغذیه سالم و فعالیت بدنی نوجوان، در شکل گیری هویت او، مؤثر است. بی توجهی والدین به این عوامل، در هویت یابی نوجوان، اضرار به اوست، و بر اساس آیه و روایت، مطلوب خداوند نیست. «بر اولیا واجب است که فرزندان را از آنچه برای آن‌ها مضر می باشد و شارع تحقق نیافتن آن را در خارج مهم دانسته، منع نمایند» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۷۴). فرایند هویت یابی، بر سلامت روان، روابط اجتماعی و رشد نوجوان تأثیر مستقیم دارد. نوجوان، با شناخت ارزش های فردی، فرهنگی و اجتماعی، اعتماد به نفس، پیدا کرده، اضطراب کمتری را، تجربه می کند و توانمندی بهتری در مواجهه با چالش ها دارد. در عصر دیجیتال، این فرایند به نوجوان کمک می کند، تا تأثیر رسانه ها بر هنجارهای دینی، ملی و خانوادگی را بهتر مدیریت کند.

آیه «وقایه»

آیه ۶ سوره تحریم، مهم ترین و صریح ترین آیه ای است که بر مسئولیت تربیتی خانواده، دلالت دارد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگها است نگاه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند، و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می نمایند» (تحریم: ۶) فعل امر «قوا»، از ریشه «وقی»، به معنای «بازداشتن و نگه داشتن از چیزی» است (جزری، بی تا، ۲۱۷/۵)، واژه «اهل»، در این آیه، به معنای «اهل بیت» است و اصل در «اهل بیت»، «قربان» است (فیومی، بی تا، ص ۲۸)، پس «اهل»، به معنی «نزدیک ترین افراد به انسان است و بی شک، اولاد را شامل می شود» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲۸/۱). امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال ابوبصیر در باره کیفیت صیانت خانواده از آتش که در آیه، به آن، امر شده است، فرمودند: «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاهُمُ اللَّهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ؛ آنها را به آنچه خداوند، فرمان داده است، امر می کنی و از آنچه خداوند، ایشان را نهی کرده است، نهی می کنی، پس اگر از تو

اطاعت کردند، آنها را صیانت کرده ای و اگر از تو سرپیچی کردند، آنچه را بر عهده ات بوده است، انجام داده ای» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۲/۵). «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً»، بیانگر وظیفه الزامی است که فرزندان را از آتش جهنم، حفظ کنید. با روش‌های تربیتی مختلف، فرزندان را از گناه، صیانت کنید و اقداماتی انجام دهید که فرزندان شما در زمره اهل معصیت، قرار نگیرند» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۲۰/۱۷). «این آیه، به دلیل ظهور دلالت صیغه امر بر وجوب، بر بر یک تکلیف وجوبی و الزامی یعنی وجوب تربیت فرزند و صیانت او از هر آنچه موجب جهنمی شدن اوست، دلالت دارد. والدین موظفند، فرزندان را از ابتلا به افعال حرام و ترك واجبات حفظ کنند. والدین، باید، این تکلیف الزامی را به هر روش ممکن، امتثال کنند یعنی از هر طریق که می‌توانند حتی با اجبار و الزام، کاری کنند که فرزندان از محرمات بپرهیزند و به واجبات عمل کنند» (اعرافی، ۱۳۹۳، ۲۸۸). «والدین نسبت به انجام مستحبات و ترك مکروهات فرزندان، وظیفه‌مندی (وقایه) مستحب دارند» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۱۴/۲۵). «این آیه خطاب به عموم مؤمنان (نه فقط پدر یا مادر) است و مسئولیت نجات خانواده از گناه و جهنم را به صورت جمعی مطرح می‌کند. امر به وجوب صیانت از اهل، واجب کفایی است؛ یعنی وقتی به خانواده امر شده است تا از فرزندان صیانت شود، هر کدام از اعضای خانواده به این امر قیام کند، کفایت می‌کند و پدر و مادر از مصداق‌های بارز مخاطبان این امر محسوب می‌شوند که در صورت قیام هرکدام، تکلیف از دیگری، ساقط است» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۲۴/۱۷). هر گاه، فقدان هویت در نوجوان، موجب ترك واجب الهی و یا ارتکاب حرام توسط او شود و یا موجب هتک حرمت خانواده گردد، در این موارد، از باب اهتمام شارع بر انجام واجبات و ترك محرمات، و وجوب حفظ حرمت مؤمن، بر والدین واجب است در تسهیل فرایند هویت‌یابی نوجوان، تلاش نمایند، این امر، مستلزم شناخت راهکارهای هویت‌یابی، در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و ملی، توسط والدین است. همچنین، در فرایند هویت‌یابی نوجوان، «تأثیر مراحل قبلی رشد، یعنی دوران کودکی، قابل انکار نیست. از اینرو، تکلیف وقایه، انحصاری به دوران بلوغ ندارد و دوران پیش از بلوغ را شامل است، البته به میزانی که مقتضی رویکرد پیشگیرانه در آموزش و تربیت فرزندان است» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۱۴/۲۵). «بر ولی واجب است که خانواده خود را از آتش و واقع شدن در معرض غضب خداوند

در زمان بلوغ صیانت کند. بدین صورت که آنان را قبل از بلوغ برای اطاعت خداوند آماده نماید و با شیوه‌های مختلف مانند تأدیب و تشویق و تربیت و.... آن‌ها را به خداوند نزدیک کند. دلیل این وظیفه، قول خدای تعالی است که فرموده: **قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً** (صدر، ۱۴۰۳، ۱۲۵).

روایات

در روایات معصومین علیهم‌السلام، حسن تأدیب فرزند و قرار دادن او در جایگاه شایسته و یاری او بر اطاعت خدا، از حقوق فرزند، شمرده شده است. این روایات، بر اهتمام معصومین علیهم‌السلام، در تربیت فرزند در همه ابعاد و ساحت‌های شخصیتی فرزند، دلالت دارد.

مسئولیت تربیت اعتقادی فرزند

امام سجاده علیه‌السلام در رساله حقوق، از امام علی علیه‌السلام، نقل کرده است:

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ
وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ، عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ
عَلَى طَاعَتِهِ، فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِ عَمَلٍ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ ثَنَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقِبٌ
عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ؛ حق فرزندت بر تو این است که، بدانی او از توسل و در دنیای گذرا،
در خیر و شر، وابسته توسل و تو در برابر سرپرستی او مسئولی که او را نیکو ادب نمایی،
به سوی خدای عزوجل راهنمایی کنی و در طاعت خدا به او کمک رسانی، پس در
کارهای او بکوش، مانند کوشیدن کسی که می‌داند در نیکی کردن به او پاداش می‌گیرد
و اگر با او بدرفتاری کند، عقاب می‌شود» (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۰۹/۲).

تعبیر «ولد»، در این روایت، به حقوق فرزند بر والدین، تأکید دارد و پدر و مادر را مسؤول تربیت صحیح فرزند، دانسته است. تربیتی که او را به سوی خداوند هدایت کند و در مسیر اطاعت از پروردگار، یاریش نماید. «در این روایت، «حَقُّ وَلَدِكَ» و «أَنَّكَ مَسْئُولٌ»، «فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِ عَمَلٍ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ... مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ»، ظهور در تکلیف الزامی دارد» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۵۵/۲۵ و ۲۸۳). «عبارت "وَالدَّلَالَةُ عَلَى رَبِّهِ"، درباره اقدام‌های آموزشی و تربیتی مربوط به شکل‌گیری باورهای اعتقادی کودکان است و شامل است بر تعلیم معارف اعتقادی، کمک به تقویت باورها و زمینه‌سازی برای التزام درونی متری به باورها» (اعرافی، ۱۳۹۵).

۲۵/۲۵۹). اولین و مهم‌ترین راهکار، برای هویت‌یابی نوجوان، پاسخ به پرسش‌های نوجوان در مورد مبدأ خود و جهان و چگونگی و علت خلقت اوست. جواب‌های مستدل و دقیق به سؤالات نوجوانان، موجب می‌شود، نوجوان، به درک صحیح و عمیقی از خود و آفریننده خود و هدف آفرینش او و جهان، برسد. باورها و اعتقادات مذهبی، ارتباط با ارزش‌های متعالی، و فهم معنای زندگی، عواملی هستند که می‌توانند به فرد، کمک کنند تا در برابر بحران‌های زندگی مقاومت کند و به ثبات برسد. قرآن، غفلت از خدا را، عامل اصلی بحران هویت، خودفراموشی و دوری از حقیقت وجودی انسان، می‌داند (حشر: ۱۹). «هویت دینی نوجوان، مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی، شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی - اجتماعی است که حول یک محور غایی (مفهوم مقدس)، سازمان یافته است و با اثرگذاری برکنش‌های اجتماعی از یک سو، سبب همبستگی و انسجام درون گروهی (درون دینی) در میان اعضای گروه (دینداران)، می‌شود و از سوی دیگر، موجبات تمایلات برون گروهی (برون دینی) را از دیگر افراد و گروه‌ها، فراهم می‌آورد» (رنوفی، ۱۳۸۹، ۱۰۵).

یاری فرزند بر اطاعت خدا

امام سجاده علیه السلام، به حسن ادب فرزند به وسیله یاری او بر اطاعت خدا، تأکید نموده است: «...وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيَّتُهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ، عَزَّوَجَلَّ وَالْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ...»... و تو در برابر سرپرستی او مسئولی که او را نیکو ادب نمایی، به سوی خدای عزَّوَجَلَّ راهنمایی کنی و در طاعت خدا به او کمک رسانی....» (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۰۹/۲). «تعبیر "المعونة على طاعته"، بر تربیت عبادی دلالت می‌کند؛ یعنی راه و شیوه عبادت را به او نشان بدهد تا اهل عبادت و مطیع خدا گردد. والدین درباره تربیت عبادی فرزندان، وظیفه الزامی از نوع "واجب کفایی"، دارند که در محیط خانوادگی با اقدام هر یک از آنان، این وظیفه از عهده دیگری ساقط می‌شود.» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۷۴/۲۴ و ۷۵) راهکارهای هویت‌یابی نوجوان، از مصادیق یاری بر اطاعت خداست. والدین باید، تربیت دینی فرزند نوجوان خود را از کودکی

شروع کنند، تا قبل از بلوغ، انجام تکالیف شرعی، برای آنها، عادت شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ما کودکانمان را زمانی که به پنج سالگی برسند به نماز فرمان می‌دهیم، پس شما کودکانتان را هنگامی که به هفت سالگی برسند، به نماز فرمان دهید....» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/ ۴۰۹) برگزاری مراسم جشن تکلیف، ضمن آنکه، پاسخ مثبت و مؤثری به حالات و عواطف، تشخیص طلبی و استقلال طلبی نوجوانان است و آنها را برای پذیرفتن وظایف و مسؤولیت‌های آینده زندگی خود، آماده می‌سازد، در توجه او به انجام تکلیف دینی مؤثر است. «برخی علما، فرا رسیدن دوران بلوغ و تکلیف فرزندان نوجوان خود را، جشن می‌گرفتند. بزرگان را دعوت می‌نمودند و در مراسم با شکوهی از فرزند نوجوان خود، به عنوان یک فرد بالغ، نام می‌بردند و حضار مجلس نیز به او تبریک می‌گفتند و از این طریق به فرزند نوجوان خود، می‌فهماندند که این مرحله از زندگی شما، سر آغاز حیات با ارزش و جدیدی است که رشد یافته ای و همانند سایر بزرگسالان، دارای شخصیت مستقل شده‌ای و مورد خطاب خداوند قرار می‌گیری. سید بن طاووس، عالم بزرگ شیعه، به جشن تکلیف فرزندان و یادآور شدن دوره‌ی بلوغ به آنان توجه ویژه، داشتند. ایشان، آرزو می‌کند که اگر تا روز به تکلیف رسیدن فرزندش، زنده بماند، آن روز را عید محسوب دارد و ۱۵۰ دینار، در راه خدا، صدقه بدهد» (مروجی طبسی، ۱۳۷۶، ۲۹۴).

تأدیب فرزند

بخشی از روایات تربیتی، بر تأدیب فرزند، به عنوان حق فرزند و وظیفه والدین، تأکید نموده است. امیرالمؤمنین علیه السلام، در وصیت به فرزندش فرموده است: «...وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ...» نوجوان، همچون زمین خالی است که هر آنچه به آن القاء شود، می‌پذیرد، پس به تأدیب تو قبل از آنکه قلبت، سخت گردد، مبادرت کردم...» (فیض الاسلام، نامه ۳۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله، اینگونه حق فرزند را خطاب به حضرت علی علیه السلام، بیان نموده است: «يا علي! حق الولد علي والده أن يحسن اسمه وأدبه ويضعه موضعاً صالحاً؛ ای علی! حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او انتخاب کند، او را به خوبی تربیت نماید و او را در جایگاهی شایسته قرار

دهد» (صدوق، ۱۴۱۳، ۳۷۲/۴) «تأدیب یعنی آموزش و تثبیت رفتارهای پسندیده (یا کیفیات رفتاری و یا صفات نفسانی پسندیده) در عرف و جامعه‌ای خاص» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۳۸/۱۷). در برخی روایات، امام علیه السلام، مبالغه و کوشش در تأدیب فرزند را، واجب شمرده است. امام صادق علیه السلام، فرموده است: «تَجِبُ لِلْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ؛ اخْتِيَاظُهُ لَوَالِدَتِهِ وَتَحْسِينُ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ؛ سه حق برای فرزند، بر پدرش واجب است؛ مادر خوبی برایش انتخاب کند، نام نیکویی بر او بگذارد و در تربیت او کوشا باشد» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۲). این روایت، سه حق را در مورد فرزند، واجب نموده است که «مبالغه در تأدیب»، بر وجوب نهایت تلاش در تربیت فرزند تربیت، دلالت دارد. در این روایت، «تجب»، بر وجوب تربیت فرزند تصریح دارد. امام سجاده علیه السلام، سرپرستی «حسن ادب» فرزند را، به عنوان مسؤولیت والدین که در مورد آن مورد بازخواست قرار می‌گیرند، ذکر کرده اند: «....وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيَّتُهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ....» و تو در برابر سرپرستی او مسؤولی که او را نیکو ادب نمایی....» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۰۹) روایات، ادب را موجب شرافت، قوام و کمال انسان و برترین میراث و خصلت و.... دانسته‌اند (ر. ک.، ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۹۷). «تعبیر "حق الولد"، در روایت، مطلق است، بنابراین دلیلی برای انحصار حکم به پدر وجود ندارد و این حکم، شامل مادر هم می‌شود» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۳۸/۱۷). «دایره شمول این روایت، وظایف خانواده در همه ساحت‌های تربیت فرزندان است» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۲۸۳/۲۵). «آداب، گستره وسیعی دارد، برخی حدود آن واجب و برخی مستحب است. در آداب واجب با توجه به این که تأدیب مشتمل بر آگاهی بخشی و تربیت است، برخی از حدود تعلیم و تربیت فرزندان در خانواده نیز واجب است» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۲۸۲/۲۵). «"حَقُّ وَلَدِكَ" و "أَنَّكَ مَسْئُولٌ"، ظهور در تکلیف الزامی دارد» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۲۸۳/۲۵). بنابراین، براساس روایات تأدیب فرزند، هویت بخشی به فرزند نوجوان، در تمامی ابعاد هویت، از جمله آداب، به شمار می‌رود، و در موارد واجب آن، که به انجام واجب و ترک حرام مربوط می‌شود، واجب است، هویت فردی، خانوادگی، اجتماعی، دینی و ملی به عنوان ابعاد اصلی هویت، به طور متقابل بر یکدیگر اثرگذارند و تضعیف یا تقویت هر یک از آن‌ها می‌تواند انسجام هویتی نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد. برخی روایات،

ضمن تقسیم دوره‌های سنی، به تأدیب فرزند در برخی دوره‌ها، اشاره دارد. (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۶/۶؛ اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۳۸/۱۷). امام صادق علیه السلام، فرمودند: «أَمْهَلُ صَبِيكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ؛ کودکت را تا شش سال آزاد بگذار، سپس هفت سال او را همراه خود داشته باش و به آداب خود، او را تأدیب کن، اگر تربیت را پذیرفت و اصلاح شد [چه بهتر]، و الاً رهاش کن» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۷/۶). در این روایت، مرحله دوم، از شش سالگی، تا هفت سال بعد از آن، دوران تأدیب است که با توجه به سن نوجوانی (۱۲-۱۸ سالگی) دوران پیش از نوجوانی و بخشی از دوران نوجوانی را در برمی‌گیرد. استقلال طلبی و تشخیص طلبی از ویژگیهای بارز نوجوان است، از اینرو، آماده نمودن او، برای استقلال و پذیرش مسئولیت، در دوره قبل، ضروری است. این آمادگی را کودک، در هفت سال دوم که بخشی از آن در ابتدای دوره نوجوانی است، در خانه و مدرسه، با اطاعت و پذیرش تعلیم و تربیت والدین و مربیان، و همچنین، تعامل فکری و مشورت با او در مسائل مربوط به خانواده، کسب می‌کند. «مشورت با نوجوان، علاوه بر آنکه به رشد شخصیت و هویت اجتماعی او کمک می‌کند، پاسخ مناسبی به تشخیص طلبی اوست» (شرفی، ۱۳۸۰، ۶۸). تعبیر «وزیر»، قرار دادن فرزند در هفت سال سوم، که در سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، آمده است و با اواخر دوره نوجوانی مصادف است، به مطلوب بودن این راهکار، در مواجهه با نوجوان، دلالت دارد؛ «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ..؛ فرزند، هفت سال، سرور است و هفت سال، بنده است و هفت سال، وزیر است...» (هشمی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۸ / ۱۵۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، همچنین، در پذیرش اشتباهات نوجوان و ایجاد پایه حمایتی سالم در خانواده برای او، فرموده است: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ... يُقْبَلُ مِسْئُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْصُورِهِ وَلَا يَرْهُقُهُ وَلَا يَحْرِقُ بِهِ؛ خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکی کردن به خود یاری نماید... عمل اندکی را که در توان اوست بپذیرد و از عملی که بر او گران است درگذرد، بر او ستم نکند و با او بداخلاقی ننماید» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۰/۶). بهره‌گیری از محیط‌های سالم و معنوی همچون هیئت و مسجد، کانون‌های فرهنگی، یکی از راهکارها، برای هویت‌یابی نوجوان است. این دوره، بهترین موقعیت است که نوجوان،

با توجه به ویژگی استقلال طلبی، در فعالیتهای گروهی مدارس و مساجد، شرکت کند و با توجه به ویژگی تشخیص طلبی او، خلایقتهای خود را، نشان دهد.

قرار دادن فرزند در جایگاه شایسته

رسول خدا ﷺ، خطاب به حضرت علی علیه السلام، قرار دادن فرزند در جایگاه شایسته او را نیز، از حقوق فرزند، شمرده اند: «یا علی! حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ وَيَضَعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً؛ ای علی! حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او انتخاب کند، او را به خوبی تربیت نماید و او را در جایگاهی شایسته قرار دهد» (صدوق، ۱۴۱۳، ۳۷۲/۴). در روایت دیگری، رسول خدا ﷺ، در پاسخ به فردی که از حق فرزندش سؤال کرد، فرمود: «تُحَسِّنُ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ وَضَعَهُ مَوْضِعاً حَسَناً؛ نام نیکو برای او انتخاب کن، او را به خوبی تربیت نما و او را در جایگاهی شایسته قرار بده» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۸/۶؛ عاملی، ۱۴۱۶، ۴۷۹/۲۱). «ضَعَهُ» ظهور در وجوب دارد. از سوی دیگر «مَوْضِعاً حَسَناً» اطلاق دارد و شامل کلیه امور رجحانی، اعم از واجب و مستحب می‌شود.... در مواردی که یقین به عدم وجوب داریم، بر استحباب حمل می‌شود» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۶۰/۲۲). لازمه قرار دادن فرزند در جایگاه شایسته اش، توجه به ویژگیهای دوره‌های مختلف رشد او و اقتضائات تربیت او در هر دوره است. «رشد شناختی، با رسیدن به مرحله تفکر در دوره نوجوانی، به فرد این امکان را می‌دهد تا هویت خود را ترسیم کند و به مسائل مربوط به آن بیاندیشد و به سؤالاتی مانند "من کیستم؟" و "چه نقشی در جامعه دارم؟" پاسخ دهد» (قائمی، ۱۳۹۳، ۶۶). تأثیر والدین، در روند رشد و تقویت خودآگاهی، عزت نفس و احساس کارآمد بودن، در فرایند شکل‌گیری هویت نوجوان، قابل انکار نیست. نوجوانی که از هویت فردی مستحکمی برخوردار است، نه تنها کمتر تحت تأثیر فشارهای منفی گروه‌های همسال قرار می‌گیرد، بلکه در تصمیم‌گیری‌ها، اهداف واقع‌بینانه‌تری انتخاب و برای تحقق آنها برنامه‌ریزی می‌کند. در نقطه مقابل، نوجوانی که هویت سالم و مستقلی نداشته باشد، در بزرگسالی به مشکلاتی مانند نارضایتی شغلی، ازدواج ناپایدار و بحران میانسالی دچار می‌شود. از اینرو، بر اساس روایت، هویت بخشی به فرزند

نوجوان، برای رساندن او به هویت سالم فردی و اجتماعی، از حقوق فرزند است و بر والدین واجب است، با به کار بستن مناسب‌ترین روش‌های تربیتی، در این زمینه، تلاش نمایند.

اکرام فرزند

پیامبر اسلام ﷺ، بر تکریم و شخصیت‌دادن به فرزندان، تأکید داشتند و آن را روشی برای تربیت فرزندان، می‌شمردند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و آنها را خوب، تربیت کنید» (احسائی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۱/۲۵۴). «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و آنها را خوب، تربیت کنید تا آمرزیده شوید» (عاملی، ۱۴۱۶، ۲۱/۴۷۶). رسول خدا ﷺ، فرموده است؛ با این روش، مورد مغفرت الهی قرار می‌گیرید. این سخن، نشان می‌دهد که تکریم شخصیت و تربیت صحیح فرزند، یک عبادت است. «درباره حکم اکرام و احترام به فرزندان و شخصیت‌بخشی به ایشان که در روایات مطرح شده، صیغه امر در وجوب ظهور دارد، اما متعلق آن، که درجات متعدد اکرام است، گسترده است که به طور قطع برخی مراتب آن واجب نیست. در نتیجه در این ادله، جمع میان وجوب و ندب است، الزام به اکرام درباره برخی مراتب نخستین است، مثلاً چنانچه ترك اکرام فرزندان موجب اهانت به شخصیت فرزند یا موجب آزار و ضرر می‌شود، اکرام فرزندان واجب است و فراتر از آن در مراتب بعدی اکرام، مستحب است» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۲۵/۲۸۶). یکی از راه‌های شکل‌گیری هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی فرزند، تکریم شخصیت او به ویژه در دوره نوجوانی است. به فرزند نوجوان خود، اجازه دهید، سؤال کند و درباره هنجارهای خانوادگی و اجتماعی گفت‌وگو کند. او را تحقیر نکنید، بلکه با گفتگوی منطقی، او را متقاعد سازید که التزام به هنجارهای خانوادگی، ملی و اسلامی، بهترین مسیر برای مقبولیت و پیشرفت است. با محبت و احترام، اعتماد به نفس او را تقویت کنید تا در آینده بتواند در عرصه‌های اجتماعی، نقش‌آفرینی کند. بر اساس این روایت، هویت بخشی به فرزند، ترکیبی از محبت، احترام و آموزش و پرورش آداب، هنجارها و ارزش‌های دینی، خواهد بود. «یکی از پرسش‌هایی که فرزندان سعی می‌کنند، پاسخ آن را از لابلای رفتارهای کلامی و عملی والدین بیابند این است که والدینم تا چه اندازه مرا پذیرفته‌اند؟

در حقیقت میزان پذیرش فرزند از سوی والدین با احساس تعلق به خانواده نسبتی مستقیم دارد. یعنی همانقدر می‌تواند خود را به این جمع وابسته احساس نماید که آنها عملاً او را پذیرفته باشند. چنانچه والدین بدون توجه به عواملی نظیر جنسیت (دختر یا پسر بودن)، استعداد و هوش (باهوش یا نرمال بودن)، وضعیت چهره و ظاهر (زیبا یا نازیبا بودن)، تحرک و پویایی اجتماعی (مردم‌داری یا مردم‌گریزی)، رتبه و ترتیب تولد (فرزند اول یا.... بودن)، فرزندشان را بپذیرند و مستقل از ویژگیهای مذکور، او را همان گونه که هست قبول داشته باشند، در حقیقت بر هویت خانوادگی او مهر تأیید نهاده‌اند و این امر باید از اوان کودکی فرزند مورد توجه والدین قرار گیرد. بر این اساس، چنانچه صرفاً با تکیه بر یکی از عوامل یادشده، فرزندی در مقایسه با سایر فرزندان، از توجه و مراقبت کمتری برخوردار شود. باید انتظار داشت که در روند شکل‌گیری هویتش، اختلالی به وجود آید» (شرفی، ۱۳۸۰، ۶۳).

تعلیم فرزند

تأکید روایات، بر تعلیم و آموزش قرآن و حلال و حرام به کودک، بر ضرورت توجه به جایگاه و هویت علمی کودکان و نوجوانان، اشاره دارد، امام صادق علیه السلام، فرموده است: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛ کودک، هفت سال بازی کند و هفت سال، قرآن را یاد بگیرد و هفت سال، حلال و حرام را، بیاموزد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۷/۶). «این روایت برای فرایند آموزش و تأدیپ، مراحل سه‌گانه هفت‌ساله را با لسانِ إخبار در مقام انشاء، بازگو کرده است» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۴۰/۱۷). رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَالتَّأَلُّفِ لَهُ وَتَعْلِيمِهِ وَتَأْدِيبِهِ؛ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را با نیکی کردن به او و انس گرفتن با او و تعلیم و تربیت او، بر نیکی کردن به خودش یاری کند» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۶۹/۱۵). امام علی علیه السلام، سؤالات زیادی را با دو فرزندشان؛ امام حسن و امام حسین علیه السلام، مطرح می‌فرمودند و پاسخ آنان را جویا می‌شدند، در پایان این سؤال و جواب‌ها، حضرت به حارث اعور، رو کرده و فرمودند: «یا حارث، عَلمُوا هذه الحِکْمَ اولادکم، فإِنَّهَا زیادة فی العقل والحزم والرأی؛ ای حارث، این حکمت‌ها را به فرزندانتان یاد دهید که اینها، عقل و دوراندیشی و انتخاب درست را، افزایش می‌دهد» (صدوق،

۱۳۶۱، ۴۰۱/۱). آموزش مهارت‌های زندگی مانند مدیریت استرس، حل مسأله، تصمیم‌گیری و ارتباط مؤثر، به نوجوان، بر عقل، دور اندیشی، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری او، می‌افزاید و به او کمک می‌کند، از سر در گمی و آشفتگی دوران بلوغ، عبور کند و خود را از آسیب‌های دوران نوجوانی، حفظ کند. این مهارت‌ها، روش کنترل رفتارهای پر خطر و برقراری ارتباط سالم با خانواده، دوستان و مرییان را، به نوجوان می‌آموزد، بدین ترتیب، آموزش این مهارت‌ها به نوجوان در شکل‌گیری هویت او، تأثیر دارد و به دلیل پیامدهای ضروری و مهم آن، بر والدین، واجب است، زمینه‌یادگیری این مهارت‌ها را برای فرزند نوجوان خود، فراهم سازند.

نتیجه

فقه تربیتی با استناد به عقل، رجحان هویت بخشی به فرزند نوجوان، توسط والدین را ثابت می‌کند. از منظر فقه تربیتی، بر اساس آیات قرآن و روایات، در مواردی که هویت بخشی به نوجوان، موجب انجام واجب و یا ترک حرام توسط او، می‌گردد و یا فقدان هویت سالم در نوجوان، موجب اضرار به او، خانواده و دیگران و یا هتک حرمت خانواده، می‌گردد، بر والدین، واجب است که با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر، تلاش خود را در به کارگیری راهکارهای هویت بخشی به فرزند، و تسهیل فرایند هویت یابی فرزند نوجوان، بنمایند. بر والدین، واجب است، زمینه‌یادگیری مهارت‌هایی که در عدم اضرار به شخصیت نوجوان، نقش دارد را، فراهم سازند. بر اساس آیه وقایه، امر به وجوب صیانت از اهل، واجب کفایی است، پدر و مادر، مصداق بارز مخاطبان این امر محسوب می‌شوند که در صورت قیام هر یک، تکلیف، از دیگری، ساقط می‌شود. بر ولی، واجب است که فرزند خود را، از واقع شدن در معرض غضب خداوند، در زمان بلوغ، صیانت کند، بدین صورت که او را قبل از بلوغ، برای اطاعت خداوند، آماده نماید و با شیوه‌های مختلف، آن‌ها را به خداوند نزدیک کند. تعبیر «حق الولد»، در روایت، مطلق است، بنابراین دلیلی برای انحصار حکم به پدر وجود ندارد و این حکم، شامل مادر هم می‌شود. دایره شمول این وظیفه، همه ساحت‌های تربیت فرزند است. در مواردی که، عدم هویت بخشی به فرزند نوجوان، مستلزم ترک واجب الهی و یا ارتکاب حرام توسط او و یا موجب هتک حرمت خانواده یا اضرار به او و دیگران، نگردد، هویت بخشی به فرزند نوجوان، مستحب است.

کتابنامه

- *قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- *نهج البلاغه (۱۳۶۸). مترجم: فیض الاسلام، سیدعلینقی. تهران: انتشارات فقیه.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴هـ.ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ.ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر.
- احسائی، محمد بن علی (۱۴۰۵هـ.ق). *عوالی اللئالی العزیزیه*. قم: دار سید الشهداء.
- اریکسون، اریک (۱۳۹۸). *مقدمات روان‌شناسی اریکسون*. مترجم: خداوردیان، سهیلا. حسن‌زاده، سعید. تهران: انتشارات پندار تابان.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۱). *دیدگاه دین و بحران هویت جوانان*. قم: نشریه طلوع. ش ۱. مشاهده شده در وبسایت <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/۲۶۹۱>
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳). *احکام تربیت فرزند*. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵). *فقه تربیتی*. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- اناری، آسیه. اناری، رضوان (۱۴۰۰). *راهنمای جامع فرزندپروری در دوران نوجوانی*. تهران: ارس.
- پارسا، محمد (۱۳۷۴). *روان‌شناسی تربیتی*. تهران: سخن.
- پاول و دیگران، ماسن هنری (۱۳۶۸). *رشد و شخصیت کودک*. مترجم: یاسایی، مهشید. تهران: نشر مرکز.
- جزری، ابن اثیر (بی تا). *النهاية فی غریب الحديث و الأثر*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴هـ.ق). *الصحاح تاج اللغة و الصحاح العربیه*. بیروت: دارالعلم.
- حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴هـ.ق). *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حقانی، ابوالحسن (۱۳۹۶). *روانشناسی رشد*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حلی، فخرالمحققین (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹هـ.ق). *کفایة الأصول*. قم: مؤسسه آل البيت.

- خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹ هـ.ق). *تحریر الوسیلة*. قم: مؤسسه دار العلم.
- خمینی، سیدروح الله (۱۴۱۰ هـ.ق). *الرسائل*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). *لغت نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۲ هـ.ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- رالف، موس (۱۳۵۷). *نظریه های بنیادی درباره نوجوانی*. مترجم: فرهاد جمهری و دیگران. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- ری شهری، محمد (۱۳۸۹). *میزان الحکمة*. قم: دار الحديث.
- رئوفی، محمود (۱۳۸۹). *مؤلفه های هویت دینی*. نشریه دین و ارتباطات، ۳۸، ۳۷، (۱، ۲)، ۹۱-۱۱۲.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۷ هـ.ق). *تاریخ الفقه الاسلامی و ادواره*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰). *جوان و بحران هویت*. تهران: انتشارات سروش.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۳). *تعلیم و تربیت و مراحل آن*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق). *الفتاوی الواضحة*. بیروت: دارالتعارف.
- صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی (۱۳۶۱). *معانی الاخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ هـ.ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی یزدی، سیدکاظم (۱۴۲۰ هـ.ق). *العروة الوثقی*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ هـ.ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ هـ.ق). *معجم الفروق اللغویة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علیخانی، علی اکبر. قاسمی، فرزانه (۱۳۸۳). *مبانی نظری هویت و بحران هویت*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- عمید، حسن. (۱۳۶۳). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد ۱۴۱۰ (۱۴۱۰ هـ.ق). *العين*. قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، محسن (۱۳۶۵). *الوافی*. اصفهان: مکتبة امیرالمؤمنین علیه السلام.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. قم: منشورات دارالرضی.
- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). *روش های آسیب زا از منظر تربیت اسلامی*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- قائمی، علی (۱۳۹۳). *دنیای نوجوانی*. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ه.ق). *الکافی*. قم: دار الکتب الإسلامية.
- مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۷۶). *حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *انسان در قرآن*. قم: انتشارات صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۱۵ه.ق). *اصول الفقه*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ه.ق). *دائرة المعارف فقه مقارن*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ه.ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: مؤسسه آل البيت.
- هیشمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ق). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. بیروت: دار الکتب.

